

جرح داور در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی: نقدی بر رویه داوری ایکسید و ارائه راهکار مناسب

علی مقدم ابریشمی^۱

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

چکیده

جرح داور یکی از موضوعات محل مناقشه در داوری بین‌المللی است. استاندارد قابل اعمال برای تعیین عدم بیطرفی و عدم استقلال داور در داوری ایکسید متفاوت از استاندارد قابل اعمال در داوری تجاری بین‌المللی و داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی در مراجع عمومی داوری است. در داوری تجاری بین‌المللی معیار تعیین جرح داور "تردید متعارف" است، اما در داوری ایکسید بر اساس ماده ۵۷ کنوانسیون واشنگتن، جرح داور بر مبنای "عدم صلاحیت آشکار" مورد بررسی قرار می‌گیرد. اکثر دیوان‌های داوری ایکسید اعتقاد به دوگانگی استاندارد جرح داور در داوری تجاری بین‌المللی و داوری ایکسید دارند که امری نامطلوب و قابل نقد است. با این وجود، گرایش جدیدی در نظام ایکسید مشاهده می‌گردد که معیار "تردید متعارف" را معیار قابل اعمال برای جرح داور می‌داند. این مقاله با بررسی رویه داوری ایکسید و نقد آن، امکان اعمال استاندارد "تردید متعارف" در داوری ایکسید را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌نماید که برای رفع دوگانگی استاندارد جرح داور در داوری بین‌المللی، معیار "تردید متعارف" باید مورد توجه دیوان‌های ایکسید قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: جرح داور، داوری سرمایه‌گذاری، داوری بین‌المللی، ایکسید، کنوانسیون واشنگتن، تردید متعارف

۱. مقدمه

امروزه بدون تردید داوری بین‌المللی یکی از متداول‌ترین روشهای حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی است.^۱ یکی از موضوعات مهم و بحث برانگیز در زمینه داوری بین‌المللی، تعیین استاندارد برای جرح داور است. سازمان‌های داوری، قوانین داوری کشورها و نویسندگان حقوقی این اتفاق نظر را دارند که داور باید مستقل و بیطرف باشد و عدم بیطرفی و عدم استقلال از موارد جرح داور به حساب می‌آیند (Born, G. International Commercial Arbitration, 2015)^۲ اما موضوعی که محل نزاع است تعیین استانداردها و معیارهای استقلال و بیطرفی است که این نزاع در آرای داوری بین‌المللی به روشنی نمایان است.

در میان مراکز داوری بین‌المللی که به اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌پردازند، مرکز داوری ایکسید از ویژگی خاصی برخوردار است. تفسیر مواد قانونی مربوط به جرح داوران در کنوانسیون واشنگتن یکی از چالش برانگیزترین مواردی بوده است که رویه داوری ایکسید هنوز قادر به ارائه راهکاری مشخص و شفاف برای مقابله با این چالش نبوده است.^۳ به عبارت دیگر، تراحم میان مواد ۱۴ و ۵۷ کنوانسیون واشنگتن منجر به تعارض در آرای دیوان‌های داوری ایکسید گردیده است که چنین تعارضی در داوری تجاری بین‌المللی و داوری سرمایه‌گذاری در مراجع عمومی داوری دیده نمی‌شود.^۴ در داوری تجاری بین‌المللی و مراجع عمومی داوری معیار برای تفسیر عدم استقلال و عدم بیطرفی داور استاندارد "شک و تردید متعارف" است.^۵ در

۱ امروزه در برخی موارد داوری بین‌المللی علی‌الخصوص داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی با هزینه‌های هنگفت و تاخیر در صدور رای قطعی مواجه می‌باشد. برخی از پرونده‌های Ad Hoc Committee در ایکسید بیش از یک دهه به طول انجامیده است. نقش روشهای جایگزین (ADR) دیگر مانند مذاکره و میانجیگری رو به گسترش می‌باشد. لذا اگرچه داوری همچنان مهمترین شیوه حل و فصل اختلافات تجاری و سرمایه‌گذاری می‌باشد، دیگر با قطعیت نمی‌توان گفت که متداول‌ترین روش حل و فصل اختلافات می‌باشد. برای مطالعه روشهای جایگزین، رجوع کنید به:

Brown, H. Marriott, A. ADR : Law and Practice , Sweet & Maxwell (2011)
 2 Moses, M, The Principles and Practice of International Commercial Arbitration, Cambridge University Press (3th ed.), Redfern, A. Hunter, M. International Arbitration, OUP (6th ed.)

۳ علیرغم وجود ۵۸ پرونده ایکسید در مورد شرایط و جرح داوران، موضوع جرح داوران در نظام ایکسید محل نزاع می‌باشد.
 ۴ منظور از مراجع عمومی، سازمان‌های داوری به استثناء مرکز ایکسید می‌باشد مانند ICC, SCC, SIAC, LCIA می‌باشد. این سازمان‌ها صلاحیت رسیدگی به اختلافات تجاری و سرمایه‌گذاری را دارند در حالیکه ایکسید صرفاً صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری را دارد.

۵ ماده ۱۲ قانون نمونه آنستیرال ۲۰۰۶، ماده ۱۲ قواعد شکلی آنستیرال ۲۰۱۰ - برای بررسی و تحلیل قواعد شکلی آنستیرال، مراجعه شود به:

Caron, Caplan, The UNCITRAL Arbitration Rules: A Commentary, OUP (2013)
 Croft, C. Kee, C. Waincymer, J. A Guide to the UNCITRAL Arbitration Rules, Cambridge University Press (2013)

مقابل، ملاک جرح داور در کنوانسیون واشنگتن، عدم صلاحیت " آشکار " داور است.^۱ لذا در داوری تجاری بین‌المللی و داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی دوگانگی استاندارد در تعیین جرح داور وجود دارد که این دوگانگی منطقی و توجیه‌پذیر نیست. با تجزیه و تحلیل معیار جرح داور در نظام اکسید و علی‌الخصوص آرای دیوان‌های ایکسید، هدف اصلی این مقاله ارائه راهکار مناسب برای رفع دوگانگی استانداردها است. به عبارت دیگر، هدف این مقاله پاسخ به پرسش ذیل است:

آیا جرح داور در نظام ایکسید می‌تواند مانند داوری تجاری بین‌المللی بر اساس استاندارد "شک و تردید متعارف" مشخص گردد؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان یک استاندارد واحد را در داوری بین‌المللی اعم از داوری تجاری و داوری سرمایه‌گذاری برای جرح داور ملاک قرار گیرد؟

این مقاله ابتدا به تشریح معیارهای ذکر شده در مواد ۱۴ و ۵۷ کنوانسیون واشنگتن و سپس به بررسی رویه داوری و نقد آنها می‌پردازد. پس از بررسی و نقد رویه داوری، راهکارهای موجود برای رفع دوگانگی استاندارد جرح داور را مورد توجه قرار می‌دهد.

۲. مواد ۱۴ و ۵۷ کنوانسیون واشنگتن

ماده ۱۴ کنوانسیون واشنگتن بیان می‌دارد که داوران اشخاصی هستند که ۱- دارای ویژگی اخلاقی عالی باشند ۲- قابلیت شناخته شده‌ای در زمینه حقوق، تجارت، صنعت یا مالیه داشته باشند ۳- از حیث استقلال در قضاوت بتوانند مورد وثوق قرار بگیرند.^۲ این ماده صریحاً یکی از تعهدات داور، استقلال در قضاوت، را ذکر می‌کند اما قیدی نسبت به اصل بی‌طرفی دیده نمی‌شود. لذا در اینجا این سؤال مطرح می‌گردد که آیا می‌توان اصل بی‌طرفی داور را از ماده ۱۴ کنوانسیون واشنگتن استنباط نمود؟ رویه داوری به این سوال پاسخ داده است. در پرونده Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona SA v Argentina دیوان بیان داشت که عبارت "استقلال در قضاوت" در ماده ۱۴ به معنای موسع آن بکار برده شده است که شامل تعهد داور به "عدم

۱ ماده ۵۷ کنوانسیون. برای تحلیل مواد کنوانسیون واشنگتن، رجوع شود: Schreuer, C. The ICSID Convention, A

Commentary, Cambridge University Press (2009)

2 Article 14: Persons designated to serve on the Panels shall be persons of high moral character and recognized competence in the fields of law, commerce, industry or finance, who may be relied upon to exercise independent judgment. Competence in the field of law shall be of particular importance in the case of persons on the Panel of Arbitrators.

جانبداری " نیز می‌شود و این عبارت محدود به معنای لغوی آن نمی‌شود (ICSID Case No ARB/03/19 , ARB/03/17). این استدلال و تفسیر دیوان قابل دفاع است زیرا اولاً دو علت اصلی انتخاب داوری به عنوان شیوه حل و فصل اختلافات بین‌المللی، بیطرفی مرجع رسیدگی و ضمانت اجرای رأی داوری بین‌المللی توسط کنوانسیونهای بین‌المللی است. ثانیاً، تفسیر دیوان در این پرونده با دیدگاه داوری تجاری بین‌المللی سازگار است. تقریباً در کلیه قوانین ملی داوری و نیز قواعد سازمانهای داوری اصل بیطرفی همراه با اصل استقلال داور ذکر گردیده است. ^۱ دیوان داوری در پرونده ^۲ (Amco v Indonesia ICSID Case No. ARB/81/1) صریحاً تأکید می‌نماید که بیطرفی مطلق همه داوران دیوان ضروری است. در این پرونده که اولین پرونده ایکسید در رابطه با جرح داور بود، دیوان داوری با اعمال استاندارد "عدم صلاحیت آشکار"، دوگانگی استاندارد را ملاک قرار دهد و نظام ایکسید را متفاوت از داوری تجاری بین‌المللی در نظر گرفت.

ماده ۵۷ کنوانسیون واشنگتن ضمانت اجرای عدم وجود شرایط قید شده در ماده ۱۴ کنوانسیون را مقرر می‌دارد و علت اصلی نزاع در تعیین معیار جرح داور در رویه داوری ایکسید ماده ۵۷ است. این ماده بیان می‌دارد:

"هریک از طرفین می‌توانند به کمیسیون یا دیوان داوری پیشنهاد عدم صلاحیت هر یک از اعضای آن را به استناد دلایلی که نشان دهنده عدم صلاحیت آشکار [داوران] به شرح مذکور در پاراگراف ۱ ماده ۱۴ باشد، بنمایند." ^۳

این ماده منشاء سؤالات متعددی گردیده است: معیار "عدم صلاحیت آشکار" در این ماده بیانگر جدیت و شدت عدم شرایط و ویژگیهای ذکر شده در پاراگراف ۱ ماده ۱۴ است و یا صرفاً بیان کننده یک استاندارد است؟ آیا معیار ذکر شده در ماده ۵۷ نسبت به سه مورد ذکر شده در ماده ۱۴ قابل اعمال و یا صرفاً در رابطه با پاراگراف ۱ ماده ۱۴ قابل استناد است؟

۱ به عنوان مثال ماده ۱۲ قواعد شکلی آنستیرال ۲۰۱۰، ماده ۱۲ قانون نمونه آنستیرال، ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، ماده ۱۴ قواعد داوری مرکز ICC (۲۰۱۷)، ماده ۱۴ قواعد داوری مرکز داوری سنگاپور (۲۰۱۶)، ماده ۱۰ قواعد داوری لندن (۲۰۱۴).

۲ در این پرونده، دیوان صریحاً عبارت absolute impartiality ذکر می‌نماید. این پرونده که حدود ۳۰ پیش مطرح گردید، اولین پرونده در این زمینه می‌باشد.

3 Article 57: A party may propose to a Commission or Tribunal the disqualification of any of its members on account of any fact indicating a manifest lack of the qualities required by paragraph (1) of Article 14. A party to arbitration proceedings may, in addition, propose the disqualification of an arbitrator on the ground that he was ineligible for appointment to the Tribunal under Section 2 of Chapter IV.

در جهت پاسخ به این سؤالات باید میان ویژگیهای ذکر شده در ماده ۱۴ از حیث زمانی تمایز قائل گردید. دو ویژگی نخست مربوط به گذشته است درحالی که ویژگی سوم (مورد وثوق قرار گرفتن داور از حیث استقلال در قضاوت) نه تنها در گذشته بلکه وجود یا عدم وجود آن در آینده نیز موضوعیت دارد (Crawford, J., 2015).^۱ بنابراین، علت تعارض دیدگاه‌ها، ارتباط "عدم صلاحیت آشکار" داور با قسمت سوم ماده ۱۴ کنوانسیون است. آرای دیوان‌های داوری ایکسید در رابطه با تزامم میان ماده ۱۴ و ماده ۵۷ کنوانسیون واشنگتن دچار تشتت است که در ادامه بحث به بررسی و نقد این آراء می‌پردازیم.

۳. بررسی و نقد رویه داوری ایکسید

این بخش، ابتدا نظرات دیوان‌های داوری ایکسید در رابطه با استاندارد قابل اعمال برای جرح داور را بیان می‌کند. سپس، به نقد دیدگاه‌های دیوان‌های داوری می‌پردازد.

۳-۱. معیار جرح داور در رویه داوری ایکسید

به طور کلی دیوان‌های داوری ایکسید دو دیدگاه متفاوت در رابطه تفسیر رابطه عبارت "عدم آشکار" در ماده ۵۷ و ویژگی سوم داور در ماده ۱۴ ابراز داشته‌اند. گروهی معیار جرح داور را "دلیل" مورد وثوق نبودن داور ذکر کرده‌اند اما گروه دیگر "درجه" مورد وثوق نبودن داور را معیار قرار داده‌اند. گروهی که معیار "دلیل" را مبنا قرار داده‌اند معتقدند که احراز "صلاحیت عدم آشکار" منوط به ارائه دلیل مبنی بر مورد وثوق نبودن داور است به عبارت دیگر رابطه (Crawford, J., Op.Cit.) میان ماده ۵۷ و ماده ۱۴، یک رابطه اثباتی است و چنانچه مورد وثوق نبودن داور آشکار باشد، از موارد جرح داور می‌باشد. در مقابل، گروهی که به معیار "درجه" اعتقاد دارند، صرف دلیل مورد وثوق نبودن داور را کافی نمی‌دانند بلکه "درجه" مورد وثوق نبودن را نیز در تعیین "آشکار" بودن عدم صلاحیت داور لازم می‌دانند. به عبارت دیگر، برای تحقق اعمال ماده ۵۷ و جرح داور، وجود "دلیل" مورد وثوق نبودن داور شرط لازم است اما کافی نیست.

رویه داوری ایکسید در تفسیر معیار "آشکار بودن" دیدگاهی را اتخاذ نموده است که باعث دوگانگی استانداردها در تعیین جرح داور در داوری ایکسید از یک طرف و داوری خارج از مرکز ایکسید از طرف دیگر شده است. در پرونده Vivendi کمیته تجدید نظر مرکز ایکسید بیان

1 Crawford, J. Challenges to Arbitrators in the ICSID Arbitration, in Caron, D. Practising Virtue: Inside International Arbitration, OUP (2015)

داشت که ریسک عدم بی طرفی باید بر مبنای واقعیت‌ها و نه بر اساس حدسیات و احتمالات باشد. در این پرونده پروفیسور Crawford و پروفیسور Rosas (دو داوری که مورد اعتراض نبودند) از پرونده Amaco پیروی نمودند و استاندارد "تردید متعارف" را معیار جرح داور تعیین نمودند.^۱ در پرونده SGS v Pakistan و نیز پرونده Azurix v Argentina دیوان ایکسید این استاندارد را مورد توجه قرار داد (ICSID No Case 12/01/ARB). دیوان داوری در پرونده SGS، بخش سوم ماده ۱۴ کنوانسیون را چنین تفسیر نمود:

" طرفی که قصد جرح داور را دارد باید بر اساس واقعیت‌ها ثابت نماید که ویژگی داور مورد جرح، بطور متعارف منجر به این استنباط گردد که داور مورد جرح در استقلال قضاوت نسبت به مورد خاص اعتراض، نمی‌تواند مورد وثوق باشد" (ICSID Case No ARB/ 01/13 (2002)).

در پرونده‌های اخیر ایکسید موضوع جرح داور نیز یکی از موضوعات بحث برانگیز بود. دیوان در پرونده Suez، دیدگاهی ابراز داشت که با پرونده Vivendi در تعارض بود و استاندارد دیگری را اعمال نمود. دیوان بیان داشت که برای احراز جرح داور، ضروری است که مشخص شود که آیا داور مورد اعتراض به طور آشکار فاقد ویژگی مورد وثوق بودن است؟ در پاسخ به این سؤال دیوان مبنا را کلمه "آشکار" قرار داد که این صراحتاً حاکی از پذیرفتن استاندارد 'تردید متعارف' است. دیوان در این پرونده صفات استقلال و بیطرفی را از صفات ذهنی برشمرد که می‌تواند از رفتار داور مورد جرح یا افراد مرتبط با آن احراز شود.

صراحت نظر دیوان در قائل بودن به دوگانگی استاندارد جرح به وضوح در پرونده‌های اخیر، سری دوم Suez، قابل مشاهده است. در این پرونده دو اعتراض نسبت به داور مطرح گردید. یکی از موارد جرح بر مبنای قواعد آنستیرال و دیگری بر مبنای ماده ۵۷ کنوانسیون واشنگتن بود. داوران دیگر دیوان میان " تردید متعارف" ذکر شده در قواعد آنستیرال و معیار کنوانسیون واشنگتن تفاوت قائل شدند. در بررسی جرح داور دیگر، آنها بیان نمودند که تحت نظام ایکسید، معیار جرح این است که داور به طور شفاف و روشن فاقد ویژگی استقلال و بیطرفی باشد؛ چنین معیاری با قواعد داوری آنستیرال و دیگر مراکز داوری بین‌المللی در تعارض است.

1 *Compania de Aguas del Aconquija SA and Vivendi Universal SA v the Argentina Republic, ICSID Case No ARB /97/3 (2001)*

برای نقد و دیدگاه نویسندگان حقوقی در مورد دیوان Vivendi رجوع کنید:

Daele, K. *Challenge and Disqualification of Arbitrators in International Arbitration*, Kluwer Law International (2012)

این تفاوت در پرونده EDF v Argentina نیز توسط دیوان تأیید شد با این استدلال که چنانچه "شک و تردید متعارف" نسبت داور وجود داشته باشد، داور باید رسیدگی خود را متوقف نماید. اما سپس دیوان با استناد به نظر نویسندگان حقوقی، معیار را "آشکار" بودن فقدان شرایط داور می‌داند. به عبارت دیگر از نظر دیوان، معیار اتخاذ شده در ایکسید با معیاری که مبنای آن متعارف بودن است، تفاوت دارد (ICSID Case No ARB/03/23 (2008)).^۱

در پرونده دیگری، National Energy Corporation v Panama، در سال ۲۰۱۱ دیوان مجدداً معیار "تردید متعارف" را صریحاً مردود دانست و معیار برای جرح داور را با عبارت 'آشکار و احتمال بسیار قوی' در نظر گرفت و صرف "احتمال و ممکن بودن" را نپذیرفت. همچنین دیوان بیان داشت که بار اثبات برای جرح داور بر عهده طرفی است که ادعای جرح را مطرح نموده است (CSID Case No ARB/06/19 (2011)).^۲

در پرونده Universal Compression v Venezuela که در سال ۲۰۱۱ مطرح گردید، دیوان ایکسید مجدداً و صراحتاً با به کار بردن عبارت ذیل عدم صلاحیت آشکار را ملاک قرار داد: "استاندارد قابل اعمال، استاندارد فقدان آشکار استقلال یا بی‌طرفی است. جرح داور باید بر مبنای واقعیت‌های عینی باشد و از دیدگاه یک شخص آگاه و معقول شفافاً شامل فقدان آشکار ویژگی‌های قید شده در بالا باشد (ABR/10/9 (2011) "ICSID Case No".

در دو پرونده اخیر دیگر، دیوان ایکسید صریحاً معیار متعارف بودن جرح داور را نپذیرفت. در پرونده Opic Karimum v Venezuela دیوان داوری درخواست خواهان برای اعمال استاندارد متعارف را نپذیرفت و با استناد به استاندارد عدم صلاحیت آشکار، درخواست جرح داور را رد نمود (ICSID Case No ABR/10/14 (2011)). استدلال دیوان این بود که خواهان قادر نبوده است که عدم استقلال داوران را تا درجه‌ای که منجر به فقدان آشکار استقلال آنها شود ثابت کند. در حقیقت، دیوان در این پرونده، عدم وجود استقلال را کافی نمی‌داند بلکه درجه عدم استقلال که معیار فقدان صلاحیت آشکار داور است را ملاک قرار می‌دهد و اثبات آن را بر عهده خواهان می‌داند. چنین دیدگاهی بدون تردید قلمروی انتقادات به نظام ایکسید را گسترده‌تر می‌نماید. در پرونده ConcoPhillips v Venezuela، دیوان داوری ایکسید، میان مقررات IBA که معیار آن "

۱ در این پرونده، دیوان با استناد به نظر پروفیسور Scheruer استاندارد عدم صلاحیت آشکار را اعمال می‌کند.
۲ در این پرونده دو داوری که جرح آنها مطرح نشده بود (پروفیسور Irrazabala و دکتر Pinzon)، صریحاً به عبارت Manifest یا almost certain استناد می‌نمایند.

تردید متعارف " نسبت به داور است و ماده ۵۷ کنوانسیون واشنگتن تفاوت قائل شد و استاندارد تردید متعارف را قابل اعمال در نظام ایکسید ندانست (ICSID Case No ABR/07/30 (2012). به عبارت دیگر، دیوان معتقد به تفاوت معیار جرح داور در نظام ایکسید با دیگر نظامهای داوری بود.

۲-۳. نقد رویه داوری و نظام ایکسید

بررسی رویه داوری ایکسید از جمله پرونده‌های اخیر نکاتی را نمایان می‌سازد: اولاً، رابطه میان ماده ۱۴ و ماده ۵۷ کنوانسیون واشنگتن از شفافیت کافی برخوردار نبوده و لذا منجر به بحث و تفسیرهای متفاوتی نسبت به اعمال این دو ماده گردیده است. ثانیاً، استاندارد "عدم صلاحیت آشکار" در نظام داوری ایکسید معیار جرح داور است و این امر زمانی محقق می‌شود که خواهان با قطعیت بتواند فقدان آشکار استقلال یا بی‌طرفی داور را ثابت نماید. نهایتاً، دیوان‌های داوری ایکسید در پرونده‌های بالا، استاندارد "شک و تردید متعارف" را در نظام ایکسید قابل اعمال نمی‌داند. به نظر می‌رسد رویکرد دیوان‌های ایکسید در رابطه معیار جرح داور به دلایل ذیل قابل نقد است:

اولاً: دیوان دلیل قانع‌کننده‌ای برای تمایز میان داوری تجاری بین‌المللی و داوری ایکسید در رابطه با معیار تعیین جرح داور ارائه نمی‌دهد. دیوان‌های ایکسید با استناد به ماده ۵۷ کنوانسیون واشنگتن تأکید می‌نمایند معیار جرح در داوری ایکسید با داوری تجاری بین‌المللی و نیز داوری سرمایه‌گذاری در مراجع عمومی تفاوت دارد و معیار "تردید متعارف" در ایکسید نمی‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. اما دیوان‌های ایکسید پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌دهند که اساساً چرا باید چنین تمایزی را قائل شد. از آنجایی که از لحاظ معیار انتخاب و ویژگی، داوران ایکسید تفاوت عمده‌ای با داوران در نظام داوری مراجع عمومی ندارند، تفاوت در استاندارد قابل اعمال برای جرح آنها قابل توجیه نیست.

ثانیاً: دوگانگی استاندارد در زمینه جرح داور نه از لحاظ مبانی و نه از لحاظ مصلحت تجاری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی قابل دفاع نیست. نظامهایی که بر مبنای معیار "متعارف" بنا نهاده شده‌اند

به مراتب نظامی کارآمدتر هستند و مؤثرتر می‌توانند پاسخگوی نیازها باشند. ثالثاً: از لحاظ اثباتی، کشف بی‌طرفی یا عدم استقلال داور بر مبنای عدم صلاحیت آشکار در مقایسه با معیار تردید متعارف مشکل‌تر است که این امر می‌تواند رسیدگی عادلانه را تحت تأثیر قرار دهد.

نهایتاً، به نظر می‌رسد ماده ۵۷ کنوانسیون و تفسیر دیوان‌های ایکسید از این ماده با اهداف اصلی کنوانسیون همخوانی نداشته باشد. از اهداف اصلی کنوانسیون واشنگتن حذف نقش دادگاه ملی در اعتراض به آراء و نیز ضمانت اجرای آرای ایکسید با به رسمیت نشناختن "نظم عمومی" به عنوان مانع اجرای آراء داور بود. در حقیقت، تدوین کنوانسیون ایکسید بر مبنای ایده نئولیبرالیسمی شکل گرفت با این هدف که به اصطلاح کنوانسیون نیویورک را دور بزند.^۱ دیوان‌های ایکسید استدلال نموده‌اند که نظام ایکسید نظام خاص و حاوی مقررات خاص خود است. این استدلال صحیح است اما باید توجه داشت داوران ایکسید تفاوت ویژه‌ای نسبت به داوران در داوری تجاری بین‌المللی ندارند. همان اشخاصی که در اختلافات تجاری بین‌المللی می‌توانند داور انتخاب شوند، آنها نیز می‌توانند داوران مرکز داوری ایکسید باشند. لذا تدوین مقررات خاص در زمینه جرح داور توسط کنوانسیون واشنگتن و تفسیر دیوان ایکسید با استناد به چنین مقرره‌ای خاص، منطقی به نظر نمی‌رسد.

راهکارها برای اعمال استاندارد 'تردید متعارف' در نظام ایکسید

پس از بررسی دیدگاه‌های دیوان‌های داوری ایکسید نسبت به معیار تعیین جرح داور و نیز پس از نقد رویه داوری ایکسید در این زمینه، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا می‌توان در نظام ایکسید در جستجوی قرائن و مبنایی بود که بر اساس آن امکان ایجاد یک استاندارد واحد برای جرح داور در داوری بین‌المللی فراهم شود؟ به بیان دیگر، آیا در نظام ایکسید امکان اعمال استاندارد "تردید متعارف" وجود دارد؟

پاسخ به این سؤال را از ۳ جنبه باید بررسی نمود. اول، کنوانسیون واشنگتن است. همانطور

۱ برای مطالعه کنوانسیون نیویورک، رجوع کنید:

Gaillard, E and Berman, G. Guide to the Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, New York 1958, Brill Nijhoff (2017)

برای مطالعه انتقادات به نظام داوری سرمایه‌گذاری، رجوع کنید:

Sornarajah, M. The International Law on Foreign Investment, Cambridge University Press (2017)

که ذکر گردید، با توجه به نص ماده ۵۷ این کنوانسیون، معیار جرح داور، معیار "تردید متعارف" نیست. اصلاح ماده ۵۷ و اساساً اصلاح کنوانسیون واشنگتن، امری بعید است و با توجه به انتقادات وارده به داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی بطور عام و نظام ایکسید به‌طور خاص، باز کردن این کنوانسیون برای اصلاح عملاً به معنای عدم الحاق مجدد بسیاری از کشورهای عضو خواهد بود. دوم، قواعد شکلی ایکسید است. بر خلاف کنوانسیون واشنگتن، قواعد شکلی ایکسید مانند قواعد شکلی سازمانهای داوری بین‌المللی دیگر از پتانسیل لازم برای مدرن شدن با توجه به گرایشهای جدید برخوردار است که این امر در سال ۲۰۰۶ انجام گردید. سوم، رویه داوری است. علیرغم بسیاری از انتقادات صحیحی که به نظام داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی به علت تشتت آراء صادره وارد است، باید توجه داشت که به‌طور کلی نظام مبتنی بر رویه، نظامی پویا است که می‌تواند خود را با شرایط و اوضاع و احوال سازگار نماید و در جهت توسعه، به اصلاح و مدرن کردن خود اقدام نماید. به‌نظر می‌رسد که این امر در رابطه با جرح داور در نظام ایکسید در حال شکل‌گیری و گرایش‌های جدیدی در این زمینه قابل رویت است. لذا به عنوان راهکار برای حل مشکل دوگانگی استاندارد جرح داور در داوری بین‌المللی، در ادامه بحث، این مقاله ابتدا نقش قواعد شکلی ایکسید و سپس گرایشهای جدید در رویه داوری ایکسید را بررسی می‌نماید.

۴. نقش قواعد شکلی ایکسید ۲۰۰۶

مقررات و قواعد شکلی مرکز ایکسید مانند بسیاری از مراکز داوری بین‌المللی مشمول اصلاحات متعددی در سالهای بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بوده است.^۱ هدف از این اصلاحات توسعه این قواعد و مقررات با در نظر گرفتن چالشها و موضوعاتی بود که داوری ایکسید در عمل با آن مواجهه شده بود. یکی از آن موضوعات که در پیش‌نویس سال ۲۰۰۴ مطرح و متعاقباً در اصلاحیه سال ۲۰۰۶ مورد توجه قرار گرفت، موضوع تعهد داوران به افشاء شرایطی است که تحت آن شرایط استقلال قضاوت داوران مورد شک و تردید قابل توجیهی قرار بگیرد و این تعهد صرفاً در شروع رسیدگی نیست بلکه شامل تمام مراحل رسیدگی می‌شود. ماده (۲) ۶ قواعد رسیدگی ایکسید مقرر می‌دارد که داوران باید فرمی را امضاء نمایند که در آن فرم کلیه شرایطی را که

۱ برای مطالعه تاریخچه ایکسید رجوع شود:

Parra, A. The History of ICSID, OUP (2017)

برای مطالعه تاریخچه تحول حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، رجوع کنید:

Mills, K. The Origins of International Investment Law, Cambridge University Press (2015)

منجر به عدم استقلال آنها می‌شود را ذکر کنند. این ماده صرفاً محدود به شرایطی که منجر به عدم آشکار استقلال و بی‌طرفی می‌شود، نمی‌گردد بلکه این ماده شرایطی که منجر به "شک و تردید قابل توجیه" می‌شود را نیز در بر می‌گیرد. سؤالی در اینجا مطرح می‌گردد: آیا ماده (۲) قواعد رسیدگی ایکسید می‌تواند در راستای مواد ۱۴ و ۵۷ کنوانسیون واشنگتن مورد توجه قرار بگیرد؟ دیوان‌های داوری ایکسید در پرونده‌های ^۱ Alpha Projektholding GmbH v Ukraine ICSID (2012) Case No ARB/07/16 و نیز پرونده Tidewater v Venezuela ICSID Case No ARB/11/29^۲ به این پرسش پاسخ منفی می‌دهند. در پرونده نخست، اکثریت دیوان اعتقاد دارند که هماهنگی میان ماده (۲) قواعد شکلی ایکسید از یکطرف و مواد ۱۴ و ۵۷ کنوانسیون واشنگتن از طرف دیگر صرفاً با درج عبارت "تردید قابل توجیه" که مبنای ماده ۹ قواعد شکلی آنسیترال است، حاصل نمی‌گردد. استدلال دیوان این است که ماده (۲) به موضوع شکلی وظیفه داوران به افشاء اختصاص دارد در حالیکه مواد ۱۴ و ۵۷ کنوانسیون از حیث ماهوی به موضوع جرح می‌پردازد. در پرونده دوم نیز مانند پرونده نخست، دیوان داوری رأی می‌دهد که ماده (۲) با مواد ۱۴ و ۵۷ قابل جمع نیستند و تفاوت فاحشی میان استاندارد ذکر شده در مقررات آنسیترال و کنوانسیون واشنگتن وجود دارد.

تصمیم دیوان‌های داوری در این دو پرونده قابل انتقاد است و دیدگاه دیوان نسبت به قلمروی اعمال ماده (۲)، قابل دفاع نیست. دیوان در این دو پرونده هدف اصلاح قواعد شکلی ایکسید را نادیده می‌گیرد. از لحاظ دیوان هدف ماده (۲) صرفاً توسعه تعهدات داوران به افشاء شرایط است، اما به نظر می‌رسد زمان اصلاح قواعد ایکسید، قصد تدوین کنندگان متن ماده (۲) در پیش‌نویس ۲۰۰۴ با در نظر گرفتن دیدگاه قواعد شکلی آنسیترال و نیز ابهامات ناشی از مواد ۱۴ و ۵۷ کنوانسیون، همگی حاکی از آن است که قواعد ایکسید هدفی فراتر از توسعه تعهد داوران به افشاء داشته و به نظر نویسنده این مقاله، آن هدف کمرنگ کردن دوگانگی استانداردها در داوری بین‌المللی و نیز شفاف‌سازی مفهوم جرح داور در نظام ایکسید بوده است.

۵. گرایش‌های جدید در رویه داوری ایکسید

همانطور که پیشتر در بررسی آراء دیوان‌های ایکسید توضیح داده شد، استاندارد قابل اعمال

۱ برای بررسی بیشتر، رجوع کنید به: Daele, Op.cit.

۲ برای مطالعه بیشتر، Moses, M. Reasoned Decisions in Arbitration Challenges, Yearbook International Commercial Arbitration, 2013

برای جرح داور در کنوانسیون واشنگتن دلیل آشکار برای عدم صلاحیت داور است و دیوان‌های داوری در اکثر پرونده‌ها معیار "تردید متعارف" را نپذیرفته‌اند. اما با این وجود، در برخی از پرونده‌ها می‌توان گرایش به سمت به رسمیت شناختن معیار "تردید متعارف" را مشاهده نمود. این گرایش ناشی از تأثیر نظام کامن لا و علی‌الخصوص به علت تأثیر استاندارد قابل اعمال در داوری خارج از نظام ایکسید اعم از داوری تجاری بین‌المللی و داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی در مراجعه عمومی است. در ادامه بحث در این مقاله ابتدا به توضیح دیدگاه‌های دیوان‌های ایکسید در پرونده‌های Rompetro ICSID و Hrvatska (ICSID Case No ARB/05/24 (2008) و Case No ABR/06/3 (2010) نسبت به استاندارد قابل اعمال برای جرح داور می‌پردازیم. سپس دیدگاه دیوان‌های ایکسید در رابطه با نقش مقررات IBA در داوری ایکسید بیان می‌گردد.

۶. نقش و اهمیت پرونده Hrvatska

در پرونده Hrvatska Electroprivreda v Slovenia دیوان داوری به موضوع اختیارات دیوان نسبت به عدم پذیرفتن مشاور وارد گردید در مواردی که رابطه‌ای میان داور و مشاور پس از تشکیل دیوان داوری ایجاد شود. قواعد ایکسید و نیز کنوانسیون واشنگتن مقررهای در مورد شرایط مشاور ندارد. در این پرونده، خواهان درخواست داوری علیه دولت اسلوانیا را در سال ۲۰۰۵ کرده بود. در سال ۲۰۰۸، وکلای خواننده لیست افراد شرکت کننده در دعوا را به دیوان ارائه نمودند که در میان آنها آقای Midon به عنوان مشاور حقوقی خواننده ذکر گردیده بود. رئیس دیوان ایکسید مدتی در لندن در ملکی که متعلق به آقای Midon بود، مستأجر بود. خواهان از خواننده درخواست نمود که هرگونه رابطه شخصی یا رابطه کاری میان آقای Midon و خواننده را فاش نماید که در پاسخ، وکلای خواننده منکر هرگونه رابطه‌ای شدند. خواهان بیان داشت که عدم فاش کردن رابطه توسط خواننده نقض مقررات IBA است در حالی که وکلای خواننده معتقد بودند که اساساً مقررات IBA به موضوع مشاوران نمی‌پردازد. دیوان در تصمیم‌گیری خود به چند نکته مهم اشاره می‌کند: اولاً، اگرچه موضوع مطروحه، عدم پذیرفتن مشاور است، دیوان به قیاس میان مشاوران و داوران می‌پردازد. ثانیاً، دیوان استاندارد ذکر شده در ماده ۵۷ کنوانسیون را ملاک قرار نمی‌دهد و نهایتاً، دیوان صراحتاً به استاندارد 'تردید متعارف' استناد می‌کند. در دفاع از استاندارد 'تردید متعارف' دیوان چنین بیان می‌کند:

"ادامه شرکت کردن مشاور مورد اعتراض در رسیدگی به اختلاف به راستی موجب می‌شود

که برای یک شخص متعارف یک "تردید متعارف" با توجه به شرایط موجود ایجاد شود" به نظر می‌رسد پرونده Hrvatska بستر مناسب برای اعمال استاندارد 'تردید متعارف' در رویه داوری ایکسید در آینده را فراهم می‌کند زیرا دیوان در این پرونده در ادامه استدلال خود صریحاً این استاندارد اعمال شده نسبت به مشاوران را به داوران نیز بسط می‌دهد. به عبارتی می‌توان گفت که دیوان در این پرونده به‌طور قابل توجهی از رویه غالب در دیوان‌های ایکسید صرف‌نظر می‌کند و با نادیده گرفتن نظر غالب از یک طرف و بسط دادن استاندارد اعمال شده در داوری تجاری بین‌المللی در نظام ایکسید از طرف دیگر، ایده‌ای مطرح می‌کند که به نوعی می‌تواند مبنای یک گرایش جدید تلقی گردد.

۷. استناد به استاندارد 'تردید متعارف' در پرونده Rompetrol

در پرونده Rompetrol NV Group v Romania، در سال ۲۰۱۰، موضوع شرکت کردن مشاور در مرحله رسیدگی مجدداً مطرح گردید. در این پرونده، دیوان ایکسید به نظر دیوان در پرونده Hrvatska البته با بیان و دیدگاهی متعادل‌تر اشاره می‌کند عبارت دیگر، دیوان در این پرونده اظهار می‌دارد که که نظر دیوان Hrvatska باید در شرایط خاص و محدود لحاظ گردد. اما با این وجود، دیوان اشاره‌ای به استاندارد ماده ۵۷، فقدان آشکار، نمی‌کند. مضافاً دیوان مجدداً به استاندارد 'تردید متعارف' استناد می‌کند. به عبارتی می‌توان این نتیجه را گرفت که دیوان Rompetrol دیدگاه افراطی بیان شده در پرونده Suez و بسیاری دیگر از پرونده‌های ایکسید را نمی‌پذیرد. البته همزمان از دیدگاه موسع ابراز شده در Hrvatska نیز حمایت نمی‌کند. علیرغم دیدگاه متعادل دیوان Rompetrol، به نظر نویسنده این مقاله، نظر دیوان بیشتر متمایل به سوی دفاع و یا حداقل به رسمیت شناختن استاندارد 'تردید متعارف' بوده است. برای دفاع از این نظر می‌توان به سه دلیل عمده اشاره نمود: اول، دیوان معیار 'عدم آشکار' را مبنای تصمیم خود قرار نمی‌دهد. دوم، دیوان در دفاع از استدلال خود به رویه قضایی کامن‌لا که استاندارد 'تردید متعارف' را اعمال می‌کند، استناد می‌نماید. سوم، با بررسی تحلیل و استدلال دیوان می‌توان گفت که ادبیات و عبارات بیان شده، گرایش جدید به سوی استاندارد 'تردید متعارف' را نمایان می‌کند.

۸. دیوان‌های داوری ایکسید و مقررات IBA

چنانچه طرفین اختلاف توافق نمایند که مقررات IBA حاکم باشد، آیا دیوان ایکسید از آن

توافق حمایت می‌کند؟ رویه داوری ایکسید، رویکرد یکسانی نسبت به اعمال استاندارد دی که برای جرح داور در مقررات IBA در نظر گرفته شده ندارد.^۱

در پرونده *Perenco v Ecuador (ICSID Case No. ARB/08/6, 2009)* Judge، جرح داور، Brower توسط دولت اکوادور مطرح گردید. علت درخواست جرح اظهار نظر ایشان نسبت به خارج شدن دولت اکوادور از کنوانسیون واشنگتن در سال ۲۰۰۹ بود. دیوان ایکسید در این پرونده، توافق طرفین را نسبت به اعمال مقررات IBA به رسمیت شناخت و با استناد به مقررات ۱ و ۲ مقررات IBA جرح داور را پذیرفت. در مقابل در پرونده *Urbaser v Argentina (ICSID Case No. ARB/07/26, 2010)*، دیوان دیدگاه متفاوتی را اتخاذ نمود. در این پرونده دیوان مقررات IBA را صرفاً یک منبع الهام بخش قلمداد نمود و اعتبار منبع حقوقی برای آن قائل نگردید. در این پرونده، خواهان جرح داور، پروفیسور McLachlan، را درخواست نمود و مبنای اعتراض کتاب و مقاله‌ای بود که داور در آن در مورد یکی از موضوعات حقوق سرمایه‌گذاری نظری ارائه نموده بود. دیوان داوری با رد جرح داور در چهارچوب ایکسید اظهار نمود که چنانچه مبنای جرح نظرات و عقاید آکادمیک نسبت به موضوعات داوری باشد، در چنین شرایطی اساس عملکرد نظام ایکسید تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

آنچه از رویکرد دیوان‌های ایکسید نسبت به IBA می‌توان نتیجه گرفت این است که دیوان ایکسید اساساً نقش مقررات IBA را نفی نمی‌کند. در پرونده‌های *Hrvatska* و *Perenco* آن را صریحاً اعمال می‌کند. مضافاً، حتی در پرونده *Urbaser*، نقش آن را رد نمی‌کند بلکه نقش آن را متفاوت می‌داند. به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت که رویه داوری ایکسید برای مقررات IBA در رابطه با استاندارد جرح داور اعتبار قائل است اما درجه اعتبار یکسانی به آن نمی‌دهد. لذا به نظر می‌رسد افزایش استناد به IBA را می‌توان به عنوان گرایشی جدید در رابطه با تعیین جرح داور بر اساس معیار 'تردید متعارف' دانست.

۹. جمع‌بندی دیدگاه‌های دیوان‌های داوری ایکسید

با بررسی رویه داوری ایکسید نسبت به استاندارد قابل اعمال در تعیین جرح داور می‌توان جمع‌بندی ذیل را ارائه نمود:

1 IBA Guidelines on Conflicts of Interest, General Standard 2(b)

۲ برای مطالعه مقررات IBA، مراجعه کنید به: Lawson, D. Impartiality and Independency of International Arbitrators: Commentary on 2004 IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration, ASA Bulletin, 2005

۱- در پرونده‌های Amco استاندارد قابل اعمال برای تعیین جرح داور استاندارد " فقدان آشکار" بی‌طرفی و استقلال داوران بوده که در ماده ۵۷ کنوانسیون تحت عنوان ' Lack of manifest' ذکر شده است. لذا بر اساس این پرونده استاندارد " تردید متعارف " نقشی در داوری ایکسید بازی نمی‌کند.

۲- در پرونده‌های Vivendi و SGS، دیدگاه دیوان در جهت حمایت از استاندارد ' تردید متعارف ' و اعمال یک استاندارد واحد در داوری بین‌المللی بود.

۳- مجدداً در پرونده‌های Suez در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ استاندارد ' عدم صلاحیت آشکار ' اعمال گردید و دیوان‌های ایکسید معیار ' تردید متعارف ' را با مواد ۱۴ و ۵۷ کنوانسیون واشنگتن سازگار ندانستند.

۴- نسبت به جایگاه مقررات IBA در تعیین استاندارد جرح داور، دیوان‌های ایکسید در دو پرونده در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نظرات متفاوتی را ارائه نمودند. پرونده Perenco بر اساس مقررات IBA موارد جرح را مشخص نمود اما پرونده Urbaser مبنا را کنوانسیون واشنگتن قرار داد و برای IBA صرفاً یک نقش الهام بخش قائل شد.

۵- پرونده‌های Hrvatska و Rompetrol می‌توانند به عنوان مبنایی برای اعمال استاندارد ' تردید متعارف ' در نظر گرفته شوند. همچنین ماده (۲) ۶ قواعد شکلی ایکسید استاندارد ' تردید متعارف ' را ملاک قرار می‌دهد.

۱۰. نتیجه‌گیری

با بررسی نظام ایکسید در رابطه با استاندارد قابل اعمال برای جرح داور، بدون تردید می‌توان این نتیجه را حاصل نمود که نظام ایکسید دارای ابهام است و رویه داوری ایکسید در تفسیر کنوانسیون واشنگتن بر این ابهامات افزوده است. در پاسخ به سؤال مطرح شده در مقدمه بحث باید گفت که دوگانگی استاندارد قابل اعمال در داوری ایکسید از یک طرف و داوری تجاری و سرمایه‌گذاری در مراجع عمومی از طرف دیگر مطلوب و قابل توجه نیست. مطلوب نیست به دلیل آنکه باعث تشتت آراء و ابهام در رویه داوری می‌گردد که امروزه یکی از معایب بزرگ نظام داوری سرمایه‌گذاری بوده و این نظام را در معرض خطر قرار داده است. دوگانگی استاندارد جرح داور قابل توجه نیز نیست به دلیل آنکه داوران ایکسید می‌توانند همان داورانی

باشند که در مراجع عمومی نیز به حل و فصل اختلاف می‌پردازند. لذا منطقی به نظر نمی‌رسد که احراز عدم استقلال و عدم بی‌طرفی آنها مشمول دو استاندارد متفاوت باشد. پیشنهاد می‌گردد که برای رسیدن به یک استاندارد واحد در داوری بین‌المللی، معیار 'تردید متعارف' باید مبنای دیوان‌های داوری ایکسید قرار بگیرد. علیرغم ماده ۵۷ کنوانسیون واشنگتن که بیشتر متمایل به سوی دوگانگی استاندارد است، مرکز داوری ایکسید با اصلاح قواعد شکلی خود در سال ۲۰۰۶ و لحاظ کردن استاندارد 'تردید متعارف' می‌تواند زمینه لازم برای ایجاد یک استاندارد واحد را فراهم نماید. کم‌رنگ کردن نقش قواعد شکلی ایکسید ۲۰۰۶ بر خلاف هدف این مقررات است. قواعد شکلی ایکسید نقش بسیار مهمی را در رفع ابهام از نظام ایکسید ایفاء می‌نماید. لذا دیوان‌های داوری ایکسید باید از این پتانسیل و گرایش‌های جدید در رویه داوری استفاده نموده و با مبنا قرار دادن استاندارد 'تردید متعارف' در جهت ایجاد یک استاندارد واحد در داوری تجاری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی به عنوان یک راهکار مناسب حرکت کنند تا از این طریق باعث شفافیت بیشتر در نظام داوری بین‌المللی گردند.

منابع

کتاب، مقالات، کنوانسیون ها و قوانین

- Brown, H. , Marriott, A. (2011) ADR: Law and Practice, Sweet & Maxwell
- Born, G. (2015) International Commercial Arbitration Kluwer International
- Caron, Caplan, (2013) The UNCITRAL Arbitration Rules: A Commentary, OUP
- Crawford, J. (2015) Challenges to Arbitrators in the ICSID Arbitration , in Caron, D. Practicing Virtue: Inside International Arbitration, OUP
- Croft, C. Kee, C. Waincymer ,J. (2013) A Guide to the UNCITRAL Arbitration Rules, Cambridge University Press
- Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States (Washington, 1965)
- Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York, 1958)
- Daele, K. (2012) Challenge and Disqualification of Arbitrators in International Arbitration, Kluwer Law International
- Gaillard, E and Berman, G. (2017) Guide to the Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, New York 1958, Brill Nijhoff
- Hoffmann, A. (2005) Duty of Disclosure and Challenge of Arbitrators: “The Standard Applicable Under the New IBA Guidelines on Conflicts of Interest and the German Approach” Arbitration International (Issue 3)
- IBA Guidelines on Conflicts of Interest
- ICC Arbitration Rules 2017
- ICSID Arbitration Rules 2006
- Iranian International Commercial Arbitration Act 2007
- Lawson, D. “Impartiality and Independency of International Arbitrators: Commentary on 2004 IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration”, ASA Bulletin, 2005
- London Court of International Arbitration Rules 2014 -
- Mills, K. (2015) The Origins of International Investment Law, Cambridge University Press

- Moses, M. (2017) *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, Cambridge University Press (3th ed.)
- Moses, M. (2013) "Reasoned Decisions in Arbitration Challenges", *Yearbook International Commercial Arbitration*
- Parra, A. (2017) *The History of ICSID*, OUP
- Redfern, A. Hunter, M. (2015) *International Arbitration*, OUP (6th ed.)
- Schreuer, C. *The ICSID Convention: Commentary*, (2009) Cambridge University Press
- Singapore International Arbitration Centre Rules 2016
- Sornarajah, M. *The International Law on Foreign Investment*, (2017) Cambridge University Press
- UNCITRAL Arbitration Rules 2010
- UNCITRAL Arbitration Model Law on International Commercial Arbitration 2006

آرای داوری مرکز ایکسید

- Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona SA v Argentina
)ICSID Case No. ARB/03/19, ICSID Case No ARB/03/17
- Amco v Indonesia
(ICSID Case No. ARB/81/1)
- Compania de Aguas del Aconquija SA and Vivendi Universal SA v the
Argentina Republic
ICSID Case No ARB /97/3 (2001)
- SGS v Pakistan
ICSID Case No ARB/ 01/13 (2002)"
- Azurix v Argentina
ICSID Case No. ARB/01/12
- EDF v Argentina

ICSID Case No. ARB/03/23 (2008)

- National Energy Corporation v Panama
ICSID Case No ARB/06/19 (2011)

- Universal Compression v Venezuela
ICSID Case No ABR/10/9 (2011)

- Opic Karimum v Venezuela
ICSID Case No ABR/10/14 (2011)

- Concophilips v Venezuela
ICSID Case No ABR/07/30 (2012)

- Alpha Projektholding GmbH v Ukraine
(ICSID Case No ARB/07/16 (2012)

- Tidewater v Venezuela
(ICSID Case No ARB /11/29 (2012)

- Harvatska Electroprireda v Slovenia
(ICSID Case No ARB/05/24 (2008)

- Rompetrol NV Group v Romania
ICSID Case No ABR/06/3 (2010)

- Perenco v Ecuador
ICSID Case No. ARB/08/6, 2009

- Urbaser v Argentina
(ICSID Case No. ARB/07/26, 2010)

پروژه‌های نگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی